

ماهیت تربیتی حضانت در حقوق ایران: مطالعه‌ای میان رشته‌ای در گستره ساحت‌های تربیت

وابستگی سازمانی

دکترای تخصصی، پژوهشگر پژوهشگاه فقه نظام

نویسندگان

حجت اله دهقانی *

چکیده

حضانت در حقوق ایران، علاوه بر جنبه‌های حقوقی و فقهی، واجد ماهیتی تربیتی است که در گستره ساحت‌های مختلف تربیت اعم از اخلاقی، اجتماعی، دینی و روانی قابل بررسی می‌باشد. زمینه این پژوهش در خلأ مطالعات میان رشته‌ای نهفته است که تاکنون حضانت را بیشتر به عنوان یک تکلیف یا حق قانونی والدین تلقی کرده‌اند و کمتر به ابعاد تربیتی آن توجه شده است. هدف اصلی این مطالعه، تبیین ماهیت تربیتی حضانت و نشان دادن جایگاه آن در نظام حقوقی ایران با رویکردی میان رشته‌ای است تا روشن شود که حضانت نه صرفاً یک مسئولیت حقوقی، بلکه بستری برای تحقق اهداف تربیتی در خانواده و جامعه محسوب می‌شود. روش پژوهش به صورت کتابخانه‌ای و با بهره‌گیری از منابع فقهی، حقوقی، تربیتی و اجتماعی انجام گرفته است تا از رهگذر تحلیل اسناد و متون معتبر، ابعاد مختلف حضانت به عنوان یک نهاد تربیتی آشکار گردد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که حضانت در حقوق ایران، علاوه بر تأمین نیازهای مادی و جسمی کودک، به طور بنیادین در شکل‌گیری شخصیت، هویت دینی و اجتماعی، و تربیت اخلاقی او نقش‌آفرین است و قوانین موجود نیز با وجود برخی کاستی‌ها، ظرفیت‌های قابل توجهی برای تقویت این جنبه‌ها دارند. نتیجه پژوهش آن است که بازاندیشی در مقررات حضانت با تأکید بر ماهیت تربیتی آن می‌تواند به اصلاحات حقوقی و اجتماعی منجر شود و زمینه‌ساز ارتقای کیفیت تربیت در خانواده و جامعه گردد.

حضانت کودک، تربیت کودک، حقوق خانواده، ساحت‌های تربیتی، سیاست‌گذاری تربیتی

توضیحات

اطلاعات مقاله

نوع مقاله پژوهشی

صفحه ۲۵ - ۳۸

دوره ۲، شماره ۳ (شماره پنجم پیاپی)

اطلاعات نویسنده مسئول

نویسنده مسئول **حجت اله دهقانی**

کد ارکید ۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰

تلفن ۰۹۱۳۹۹۵۷۱۸۸

ایمیل hojjatollahdehghani@chmail.ir

سابقه مقاله

تاریخ دریافت ۱۴۰۴/۰۵/۰۵

تاریخ ویرایش ۱۴۰۴/۰۶/۱۰

تاریخ پذیرش ۱۴۰۴/۰۶/۲۶

تاریخ انتشار ۱۴۰۴/۰۷/۰۱

روش پژوهش توصیفی تحلیلی

واژگان کلیدی

کلید حقوق این مقاله متعلق به نویسندگان می‌باشد.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد و تغییر جزئی را با ذکر منبع آن دارند.

نحوه استناد دهقانی، حجت اله (۱۴۰۴)، «ماهیت تربیتی حضانت در حقوق ایران: مطالعه‌ای میان رشته‌ای در گستره ساحت‌های تربیت»، فصلنامه علمی مطالعات میان رشته ای حقوق و تربیت اسلامی، دوره ۲، شماره ۳، (شماره پنجم پیاپی)، صفحات ۲۵ - ۳۸

The Educational Nature of Child Custody in Iranian Law: An Interdisciplinary Study Across Dimensions of Upbringing

Authors		Organizational Affiliation
Hojjatollah Dehghani *		PhD, researcher at the Institute of Islamic Jurisprudence
Article Information		Abstract
Article Type	Research	Custody in Iranian law, in addition to its legal and jurisprudential aspects, possesses an educational nature that can be examined across various dimensions of upbringing, including moral, social, religious, and psychological spheres. The background of this research lies in the gap of interdisciplinary studies, where custody has mostly been regarded as a duty or legal right of parents, with little attention paid to its educational dimensions. The main objective of this study is to explain the educational nature of custody and to demonstrate its position within the Iranian legal system through an interdisciplinary approach, clarifying that custody is not merely a legal responsibility but rather a framework for achieving educational goals within the family and society. The research method is library-based, utilizing jurisprudential, legal, educational, and social sources to analyze authoritative texts and documents, thereby revealing the various aspects of custody as an educational institution. The findings indicate that custody in Iranian law, beyond fulfilling the material and physical needs of the child, fundamentally contributes to the formation of personality, religious and social identity, and moral upbringing, while existing laws, despite certain shortcomings, hold significant potential for strengthening these dimensions. The conclusion of the study is that rethinking custody regulations with an emphasis on their educational nature can lead to legal and social reforms and pave the way for enhancing the quality of upbringing within families and society.
Pages	25 - 38	
Volume 2, Issue 3		
Corresponding Author's Info		
Corresponding Author's	Hojjatollah Dehghani	
ORCID	0000-0000-0000-0000	
Tell	09139957188	
Email	hojjatollahdehghani@chmail.ir	
Article History		
Received	2025/07/27	
Revised	2025/09/01	
Accepted	2025/09/17	
Published Online	2025/09/23	
Research Method	Descriptive Analytical	
Keywords		<i>Child Custody, Child Upbringing, Family Law, Educational Dimensions, Educational Policy</i>
Description		
<i>All rights to this article belong to the authors.</i>		
<i>Readers of this magazine are permitted to distribute, recombine, and modify the material with due acknowledgement of the source.</i>		
How to Cite This Article	Dehghani, Hojjatollah (2025). "The Educational Nature of Child Custody in Iranian Law: An Interdisciplinary Study Across Dimensions of Upbringing." <i>Interdisciplinary Journal of Studies in Law & Islamic Education</i> , Vol. 2, No. 3 (Fifth Consecutive Issue), pp. 25–38.	

۱: مقدمه

حضانت از مباحث بنیادین فقه امامیه و حقوق خانواده در نظام حقوقی ایران به شمار می‌آید و نقشی محوری در حمایت از کودکان و صغار ایفا می‌کند. پرسش اصلی این پژوهش آن است که آیا حضانت صرفاً به نگهداری و مراقبت جسمانی از طفل محدود می‌شود یا واجد ماهیتی ذاتی - تربیتی است که تمامی ابعاد رشد کودک را در بر می‌گیرد. بررسی دامنه شمول حضانت در ساحت‌های مختلف تربیت، از جمله جسمانی، اخلاقی، اعتقادی، اجتماعی، اقتصادی و معنوی، از محورهای اساسی این تحقیق محسوب می‌شود. اهمیت موضوع از آن جهت است که تعیین حدود و ثغور حضانت، مبنای تصمیم‌گیری‌های قضایی و سیاست‌گذاری‌های قانونی مرتبط با کودکان و خانواده را شکل می‌دهد. مطالعات فقهی پیشین نشان می‌دهد که حضانت در اندیشه فقهای امامیه به معنای تربیت در تمامی ساحت‌های فرزند تلقی شده است. برای نمونه، صاحب ریاض المسائل حضانت را چنین تبیین می‌کند: «فالأم أحق بالولد و تربیته مدّة الرضاع مطلقاً» (بحرانی، بی تا، ج ۱۲، ص ۱۵۳)؛ در ایضاح الفوائد حضانت به عنوان «ولایت بر تربیت، حفظ و رعایه» تعریف شده است (علامه حلی، بی تا، ج ۲، ص ۱۳۹) و در غایه المرام آمده است: «الحضانة ولاية و سلطنة علی تربية الولد» (طوسی، بی تا، ج ۳، ص ۱۷۷). این منابع نشان می‌دهند که حضانت دارای هویت حقوقی (ولایت)، هدف اصلی (تربیت) و اقتضائات عملی (مراقبت و نگهداری کودک) است. در حقوق موضوعه ایران نیز مواد ۱۱۶۸ تا ۱۱۷۹ قانون مدنی حضانت را به عنوان حق و تکلیف والدین تعریف کرده و میان نگهداری جسمانی و تربیت کودک تفکیکی قائل نشده‌اند (قانون مدنی، ۱۳۷۰). افزون بر این، قانون حمایت خانواده (۱۳۹۱) و اسناد بالادستی همچون سیاست‌های کلی خانواده (مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۹۵) و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰)، تربیت را بخشی جدایی‌ناپذیر از مفهوم حضانت دانسته‌اند. مطالعات پیشین، از جمله آثار مزروعی (۱۳۸۷) و نجم‌آبادی و پورعبدالله (۱۴۰۳)، به تحلیل ماهیت حضانت و آثار تربیتی آن پرداخته‌اند، اما غالباً محدود به بررسی حق و مالکیت حضانت یا الزام والدین بوده و دامنه شمول ساحت‌های مختلف تربیتی را به صورت یکپارچه مورد تحلیل قرار نداده‌اند. این پژوهش با رویکرد توصیفی - تحلیلی در پی آن است که روشن سازد حضانت آیا صرفاً به نگهداری جسمانی کودک محدود می‌شود یا ماهیتی ذاتی - تربیتی دارد که تمامی ابعاد رشد کودک را در بر می‌گیرد. در صورت پذیرش دیدگاه دوم، تحقیق حاضر به تحلیل دامنه شمول حضانت در ساحت‌های مختلف تربیتی پرداخته و نسبت آن را با مصلحت کودک و مسئولیت‌های الزام‌آور والدین تبیین می‌کند.

۲: پیشینه شناسی

در این بخش از پژوهش به بررسی پیشینه‌های علمی و پژوهشی مرتبط با موضوع حضانت و ماهیت تربیتی آن در حقوق ایران پرداخته می‌شود. هدف از این مرور، شناسایی دیدگاه‌ها و نتایج مطالعات پیشین در حوزه فقه امامیه، حقوق خانواده، و اسناد بالادستی آموزشی و اجتماعی است تا جایگاه حضانت به عنوان نهادی حقوقی - تربیتی روشن گردد. همچنین با تحلیل پژوهش‌های اخیر، نقاط قوت و ضعف مطالعات گذشته مشخص شده و زمینه برای ارائه چارچوبی جامع‌تر در این تحقیق فراهم می‌گردد.

جان‌آبادی (۱۴۰۳)، در پژوهش خود با عنوان «بررسی چالش‌های حقوقی و اجتماعی حضانت فرزند پس از طلاق در نظام حقوقی ایران»، چنین بیان کرده است که حضانت نه تنها یک مسئله حقوقی بلکه یک موضوع اجتماعی و روان‌شناختی است که بر سلامت روانی کودک و روابط خانوادگی اثر مستقیم دارد. او با تحلیل قوانین ایران و مقایسه با نظام‌های حقوقی دیگر، پیشنهاد اصلاح قوانین حضانت، توسعه حضانت مشترک و تقویت نهادهای حمایتی اجتماعی را مطرح کرده است.

هاشمی (۲۰۲۵)، در پژوهش خود با عنوان «مطالعه تطبیقی حضانت در حقوق ایران و آمریکا با تأکید بر نظریه حضانت مشترک»، چنین بیان کرده است که حضانت در ایران عمدتاً بر اساس سن و جنسیت کودک تعیین می‌شود، در حالی که در آمریکا نظریه حضانت مشترک به دلیل توجه به مصلحت کودک و مطالعات علمی درباره نقش هر دو والد در تربیت، جایگزین شده است. او نتیجه می‌گیرد که حضانت مشترک می‌تواند به رشد و شکوفایی بیشتر کودکان منجر شود.

احسانی (۱۴۰۱)، در پژوهش خود با عنوان «تحلیل تربیتی احکام فقهی کودک (حضانت)»، چنین بیان کرده است که حضانت در فقه امامیه یک حکم الهی است که هدف اصلی آن تربیت صحیح کودک در ابعاد جسمی، روحی و روانی است. او تأکید می‌کند که در صورت فقدان صلاحیت والدین، حضانت باید فوراً به فرد شایسته منتقل شود تا مصلحت و تربیت کودک حفظ گردد.

علیمحمدی و خاکساری (۱۴۰۴)، در پژوهش خود با عنوان «حضانت کودکان از منظر فقه امامیه و قانون مدنی»، چنین بیان کرده‌اند که حضانت واجب کفایی والدین است و اولویت مادر تا هفت سالگی کودک مورد تأکید قرار گرفته است. آنان با تحلیل دیدگاه‌های فقها و مواد قانونی، نتیجه می‌گیرند که حضانت علاوه بر نگهداری، مسئولیت تربیتی دارد و باید بر اساس مصلحت کودک اعمال شود.

قاسمی (۱۴۰۴)، در پژوهش خود با عنوان «بررسی شرایط قانونی حضانت کودک بعد از طلاق در حقوق ایران»، چنین بیان کرده است که نظام حقوقی ایران با وجود پیشینه فقهی غنی، در عمل با چالش‌هایی مانند نبود معیارهای عینی برای صلاحیت والدین و کمبود خدمات مشاوره‌ای مواجه است. او پیشنهاد می‌کند که قوانین حضانت باید شفاف‌تر شده و دادگاه‌های خانواده تخصصی‌تر عمل کنند.

رستگار (۱۴۰۴)، در پژوهش خود با عنوان «حضانت فرزند در حقوق خانواده»، چنین بیان کرده است که حضانت در ایران بر اساس مصلحت کودک تعیین می‌شود و شرایطی مانند توانایی مالی، اخلاقی و محیط تربیتی والدین نقش اساسی دارد. او توضیح می‌دهد که اصلاحات اخیر قانونی، مانند عدم سلب حضانت مادر صرفاً به دلیل ازدواج مجدد، نشان‌دهنده توجه بیشتر به مصلحت کودک است.

پیشینه حاضر با پیشینه‌های پژوهشی پیشین تفاوت اساسی دارد؛ زیرا مطالعات گذشته عمدتاً حضانت را در چارچوب حق و تکلیف والدین یا مالکیت حقوقی بررسی کرده‌اند و کمتر به ابعاد تربیتی آن در ساحت‌های گوناگون پرداخته‌اند، در حالی که این پیشینه با رویکردی میان‌رشته‌ای، حضانت را به مثابه نهادی تربیتی در کنار جنبه‌های حقوقی و فقهی تحلیل می‌کند. اهمیت این پیشینه در آن است که با گشودن افق‌های تازه، حضانت را نه صرفاً به عنوان یک مسئولیت قانونی، بلکه به مثابه بستری برای تحقق اهداف تربیتی در خانواده و جامعه معرفی می‌کند و بدین‌سان می‌تواند مبنای اصلاحات حقوقی، سیاست‌گذاری‌های آموزشی و ارتقای کیفیت تربیت کودکان در نظام حقوقی ایران قرار گیرد.

۳: مفهوم شناسی

در این بخش از پژوهش به مفهوم‌شناسی حضانت پرداخته می‌شود. هدف از این بررسی، روشن ساختن ابعاد معنایی و کاربردی حضانت در فقه امامیه و حقوق موضوعه ایران است تا مشخص شود این نهاد صرفاً به نگهداری جسمانی کودک محدود نمی‌شود، بلکه واجد ماهیتی تربیتی و چندساحتی است. مفهوم‌شناسی حضانت با تحلیل واژگان کلیدی، تعاریف فقهی و حقوقی، و برداشت‌های اجتماعی و تربیتی انجام می‌گیرد و از رهگذر آن، تفاوت میان حضانت به مثابه «حق» و حضانت به مثابه «تکلیف» والدین آشکار می‌شود. این بخش همچنین زمینه‌ای فراهم می‌آورد تا حضانت در ارتباط با مفاهیم بنیادین دیگری چون ولایت، تربیت، مصلحت کودک و مسئولیت والدین مورد واکاوی قرار گیرد و چارچوب نظری لازم برای ادامه پژوهش شکل گیرد.

۳-۱: حضانت

حضانت در فقه امامیه و حقوق خانواده ایران مفهومی چندبعدی است که هم جنبه حقوقی و هم جنبه تربیتی دارد. در متون فقهی، حضانت به عنوان ولایت و سلطنت بر تربیت و نگهداری کودک معرفی شده و از همان آغاز، پیوندی میان مراقبت جسمانی و پرورش روحی و اخلاقی برقرار گردیده است (**موسوی بجنوردی، ۱۳۷۸: ۲۱۲**). در حقوق مدنی ایران نیز حضانت به عنوان حق و تکلیف والدین تعریف شده و میان نگهداری جسمی و تربیت کودک تفکیکی وجود ندارد؛ به گونه‌ای که مواد ۱۱۶۸ تا ۱۱۷۹ قانون مدنی حضانت را هم حق والدین و هم تکلیف آنان در قبال کودک می‌داند (**کاتوزیان، ۱۳۸۸: ۱۴۵**). پژوهش‌های معاصر حضانت را نهادی اجتماعی - تربیتی تلقی کرده‌اند که علاوه بر جنبه‌های حقوقی، در شکل‌گیری شخصیت کودک نقش بنیادین دارد (**صفاپی، ۱۳۹۲: ۸۷**). برخی صاحب‌نظران نیز حضانت را ابزاری برای تحقق عدالت اجتماعی و حمایت از حقوق کودک دانسته‌اند و بر ضرورت توجه به مصلحت کودک در تصمیم‌گیری‌های قضایی تأکید کرده‌اند (**ره‌پیک، ۱۳۹۵: ۶۴**). در

مطالعات جدید، حضانت به عنوان نهادی میان رشته‌ای معرفی شده است که علاوه بر حقوق، در حوزه‌های تربیت و روان‌شناسی نیز باید مورد توجه قرار گیرد (شریعتی، ۱۴۰۰: ۱۰۲). بدین ترتیب، حضانت در نظام حقوقی ایران و فقه امامیه نهادی است که همزمان واجد هویت حقوقی (ولایت)، هدف اصلی (تربیت) و اقتضائات عملی (نگهداری و مراقبت) بوده و نمی‌توان آن را صرفاً به نگهداری جسمی کودک محدود ساخت. این تعریف جامع، اهمیت حضانت را در پیوند میان حقوق و تربیت نشان می‌دهد و ضرورت بازنه‌اندیشی در قوانین و سیاست‌گذاری‌های مرتبط با خانواده را برجسته می‌سازد.

۳-۲: تربیت

تربیت در ادبیات اسلامی و حقوقی ایران مفهومی چندساحتی است که به پرورش همه‌جانبه انسان در ابعاد جسمانی، روانی، اخلاقی، اجتماعی و اعتقادی اشاره دارد. در منابع کلاسیک تربیتی، تربیت به معنای هدایت و پرورش استعداد‌های درونی کودک در مسیر کمال انسانی تعریف شده است (مطهری، ۱۳۷۰: ۴۵). در حوزه علوم تربیتی، تربیت فرآیندی آگاهانه و هدفمند تلقی می‌شود که از طریق تعامل والدین، مربیان و نهادهای اجتماعی، شخصیت فرد را شکل می‌دهد و او را برای ایفای نقش‌های اجتماعی آماده می‌سازد (شکوهی، ۱۳۸۵: ۹۲). در حقوق خانواده ایران نیز تربیت به عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از حضانت شناخته شده و قانون‌گذار میان نگهداری جسمی و تربیت اخلاقی و اجتماعی کودک تفکیکی قائل نشده است (کاتوزیان، ۱۳۸۸: ۱۴۷). پژوهشگران معاصر تربیت را نه صرفاً انتقال دانش، بلکه فرآیندی برای ایجاد هویت و ارزش‌های پایدار در کودک دانسته‌اند که در نهایت به تحقق مصلحت او منجر می‌شود (ملکی، ۱۳۹۴: ۶۳). در مطالعات روان‌شناسی تربیتی نیز تأکید شده است که تربیت باید متناسب با مراحل رشد کودک باشد و در هر مرحله نیازهای خاص جسمی، عاطفی و شناختی او را پاسخ دهد (سیف، ۱۳۹۷: ۱۱۸). بدین ترتیب، تربیت مفهومی جامع است که هم در فقه و حقوق و هم در علوم تربیتی و روان‌شناسی جایگاهی بنیادین دارد و به عنوان فرآیندی مستمر و چندبعدی، مسئولیت والدین و جامعه را در پرورش نسل آینده برجسته می‌سازد.

۴: تفاوت حضانت به مثابه «حق» و حضانت به مثابه «تکلیف»

حضانت در نظام حقوقی ایران هم به مثابه «حق» و هم به مثابه «تکلیف» والدین مطرح شده است، اما تفاوت این دو رویکرد در ماهیت و آثار آن آشکار است. حضانت به مثابه «حق» بدین معناست که والدین دارای امتیازی قانونی برای نگهداری و تربیت فرزند هستند و می‌توانند در صورت وجود شرایط قانونی از این حق بهره‌مند شوند؛ در این نگاه، حضانت نوعی امتیاز شخصی محسوب می‌شود که قابلیت اسقاط یا انتقال دارد (کاتوزیان، ۱۳۸۸: ۱۴۵). در مقابل، حضانت به مثابه «تکلیف» بیانگر مسئولیتی الزام‌آور است که والدین در قبال فرزند دارند و نمی‌توانند از آن شانه خالی کنند؛ زیرا هدف اصلی آن حمایت از کودک و تأمین مصلحت اوست (صفایی، ۱۳۹۲: ۸۷). در این رویکرد، حضانت نه یک امتیاز فردی بلکه وظیفه‌ای اجتماعی - تربیتی است که بر پایه مصالح عالی‌ه کودک و جامعه شکل گرفته و حتی در صورت عدم تمایل والدین، دادگاه می‌تواند آنان را ملزم به انجام آن سازد (ره‌پیک، ۱۳۹۵: ۶۴). بنابراین، حضانت به مثابه «حق» بیشتر جنبه مالکیت و اختیار والدین را برجسته می‌کند، در حالی که حضانت به مثابه «تکلیف» بر مسئولیت اخلاقی، تربیتی و قانونی آنان در قبال رشد همه‌جانبه کودک تأکید دارد و همین تفاوت، مبنای بسیاری از مباحث حقوقی و فقهی در زمینه حضانت است (شریعتی، ۱۴۰۰: ۱۰۲).

۵: تحلیل رابطه حضانت و تربیت در فقه، قوانین موضوعه و رویه قضایی

حضانت در فقه امامیه و حقوق خانواده ایران، نهادی چندبعدی است که پیوندی ناگسستنی با مفهوم تربیت دارد. در منابع فقهی، حضانت نه صرفاً به معنای نگهداری جسمانی کودک، بلکه به عنوان ولایت و سلطنت بر تربیت او تعریف شده است. فقها بر این باورند که حضانت شامل مراقبت، پرورش و هدایت کودک در مسیر رشد همه‌جانبه است و مادر در سال‌های نخستین زندگی فرزند، به دلیل نقش عاطفی و تربیتی ویژه، بر حضانت اولویت دارد (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۸: ۲۱۲). این نگاه نشان می‌دهد که تربیت، جزء ذاتی حضانت است و نمی‌توان آن را از وظایف حضانت جدا

کرد. در قوانین موضوعه ایران نیز رابطه حضانت و تربیت به طور مستقیم مورد توجه قرار گرفته است. مواد ۱۱۶۸ تا ۱۱۷۹ قانون مدنی، حضانت را هم حق و هم تکلیف والدین دانسته و هیچ تفکیکی میان نگهداری جسمی و تربیت اخلاقی و اجتماعی کودک قائل نشده‌اند (کاتوزیان، ۱۳۸۸: ۱۴۵). قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ نیز با تأکید بر مصلحت کودک، حضانت را مسئولیتی الزام آور معرفی کرده است که والدین نمی‌توانند از آن شانه خالی کنند. افزون بر این، اسناد بالادستی همچون سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، تربیت را بخشی جدایی‌ناپذیر از حضانت دانسته و بر نقش خانواده در پرورش همه‌جانبه کودک تأکید کرده‌اند (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰: ۷۷). این رویکرد قانونی نشان می‌دهد که حضانت در ایران، علاوه بر جنبه‌های حقوقی، به طور جدی با اهداف تربیتی گره خورده است. در رویه قضایی نیز دادگاه‌های خانواده هنگام صدور حکم حضانت، بیش از هر چیز به مصلحت کودک توجه می‌کنند. مصلحت کودک مفهومی است که هم نگهداری جسمی و هم تربیت اخلاقی، روانی و اجتماعی او را دربرمی‌گیرد. به عنوان نمونه، در مواردی که والدین از نظر مالی توان نگهداری دارند اما صلاحیت اخلاقی یا تربیتی آنان محل تردید است، دادگاه ممکن است حضانت را به والد دیگر یا حتی به شخص ثالث واگذار کند (صفایی، ۱۳۹۲: ۸۷). این نشان می‌دهد که رویه قضایی حضانت را صرفاً به معنای مراقبت جسمی نمی‌داند، بلکه آن را مسئولیتی تربیتی و اجتماعی تلقی می‌کند. در برخی آرای قضایی نیز تأکید شده است که ازدواج مجدد مادر یا اشتغال پدر به تنهایی نمی‌تواند موجب سلب حضانت شود، مگر آنکه تربیت و مصلحت کودک به خطر افتد (ره‌پیک، ۱۳۹۵: ۶۴). از منظر نظری، حضانت و تربیت رابطه‌ای هم‌افزا دارند؛ حضانت بدون تربیت، به نگهداری صرف تقلیل می‌یابد و تربیت بدون حضانت، فاقد پشتوانه حقوقی و اجرایی خواهد بود. بنابراین، حضانت در فقه امامیه و قوانین ایران، نهادی است که همزمان واجد هویت حقوقی (ولایت)، هدف اصلی (تربیت) و اقتضائات عملی (نگهداری و مراقبت) است. رویه قضایی نیز با تأکید بر مصلحت کودک، این پیوند را تقویت کرده و حضانت را به عنوان مسئولیتی جامع در نظر گرفته است. بدین ترتیب، می‌توان نتیجه گرفت که حضانت در نظام حقوقی ایران، نهادی تربیتی - حقوقی است که وظیفه اصلی آن پرورش همه‌جانبه کودک در چارچوب مصلحت اوست و این امر، مبنای تصمیم‌گیری‌های قضایی و سیاست‌گذاری‌های قانونی در حوزه خانواده محسوب می‌شود.

۶: تحلیل مبانی حقوقی حضانت در قوانین موضوعه ایران با تأکید بر محوریت تربیت

در این بخش از پژوهش به تحلیل مبانی حقوقی حضانت در قوانین موضوعه ایران با تأکید بر محوریت تربیت خواهیم پرداخت. این تحلیل در چهار محور اصلی سامان می‌یابد: نخست، بررسی قانون مدنی و تبیین جایگاه تربیت به مثابه حق و تکلیف توأمان والدین؛ دوم، تحلیل قانون حمایت از خانواده و توجه آن به تربیت به عنوان معیار تشخیص مصلحت عالی‌ه کودک؛ سوم، واکاوی سازوکارهای تضمینی در نظام حقوقی ایران که امکان سلب حضانت را در صورت فقدان صلاحیت تربیتی والدین فراهم می‌سازد؛ و چهارم، ارزیابی سیاست‌های کلی خانواده که تربیت را به عنوان کارکرد کلان و بنیادین نهاد خانواده معرفی کرده‌اند. بدین ترتیب، در این بخش تلاش می‌شود تا با رویکردی نظام‌مند، جایگاه تربیت در قوانین موضوعه ایران و ارتباط آن با حضانت روشن گردد و ابعاد حقوقی، اجتماعی و تربیتی این نهاد به صورت یکپارچه مورد بررسی قرار گیرد.

۶-۱: تربیت به مثابه حق و تکلیف توأمان

در قانون مدنی ایران، حضانت جایگاهی ویژه دارد و به‌عنوان نهادی حقوقی، هم حق و هم تکلیف والدین تلقی می‌شود. این دو جنبه در مواد ۱۱۶۸ تا ۱۱۷۹ به‌طور صریح بیان شده‌اند و نشان می‌دهند که قانون‌گذار میان نگهداری جسمی و تربیت اخلاقی و اجتماعی کودک تفکیکی قائل نشده است. از یک سو، حضانت حق والدین محسوب می‌شود؛ بدین معنا که در شرایط عادی هیچ فرد دیگری جز آنان نمی‌تواند بر تربیت و نگهداری کودک سلطه داشته باشد و این حق به‌عنوان بخشی از ولایت والدین بر فرزند شناخته می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۸۸: ۱۴۵). از سوی دیگر، حضانت تکلیف الزام‌آور والدین است؛ به این معنا که آنان موظف‌اند در هر شرایطی مسئولیت تربیت و نگهداری کودک را بر عهده گیرند و نمی‌توانند از انجام آن امتناع ورزند یا آن را به دیگری واگذار کنند، زیرا هدف اصلی حضانت حمایت از کودک و تأمین مصلحت عالی‌ه اوست (صفایی، ۱۳۹۲: ۸۷). این رویکرد دوگانه نشان می‌دهد که قانون مدنی ایران حضانت را نهادی تربیتی - حمایتی معرفی کرده است که مسئولیت والدین را در ابعاد

جسمی، اخلاقی و اجتماعی کودک به طور یکپارچه تضمین می‌کند. در واقع، قانون مدنی با تأکید بر وحدت حق و تکلیف، حضانت را نه صرفاً یک امتیاز فردی، بلکه وظیفه‌ای اجتماعی و تربیتی می‌داند که والدین باید آن را در راستای رشد همه‌جانبه فرزند انجام دهند. افزون بر این، رویه‌های حقوقی نشان داده‌اند که در صورت امتناع والدین از انجام وظایف حضانت، دادگاه می‌تواند آنان را ملزم به اجرای این تکلیف کند و حتی در مواردی که صلاحیت تربیتی آنان محل تردید باشد، حضانت به والد دیگر یا شخص ثالث واگذار می‌شود (ره‌پیک، ۱۳۹۵: ۶۴). بنابراین، قانون مدنی ایران حضانت را نهادی جامع معرفی کرده است که همزمان واجد جنبه‌های حقوقی، اخلاقی و تربیتی است و این امر اهمیت ویژه‌ای در سیاست‌گذاری‌های خانواده و حمایت از حقوق کودک دارد (شریعتی، ۱۴۰۰: ۱۰۲).

۶-۲: تربیت به عنوان معیار تشخیص مصلحت عالی کودک

در قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱، حضانت به‌عنوان نهادی حقوقی - تربیتی با محوریت «مصلحت عالی کودک» مورد توجه قرار گرفته است. این قانون در مواد مختلف خود، به‌ویژه در ماده ۴۰، تأکید می‌کند که دادگاه هنگام صدور حکم حضانت باید مصالح کودک را در نظر بگیرد و این مصالح نه تنها شامل نگهداری جسمی، بلکه تربیت اخلاقی، روانی و اجتماعی او نیز می‌شود. بدین معنا که تربیت به‌عنوان معیار اصلی تشخیص مصلحت عالی کودک شناخته شده و هرگونه تصمیم قضایی در زمینه حضانت باید بر پایه این معیار اتخاذ گردد. در رویه قضایی نیز مشاهده می‌شود که دادگاه‌ها در مواردی که والدین از نظر مالی توان نگهداری دارند اما صلاحیت تربیتی آنان محل تردید است، حضانت را به والد دیگر یا حتی به شخص ثالث واگذار می‌کنند تا تربیت کودک در مسیر صحیح تضمین شود (صفایی، ۱۳۹۲: ۹۱). افزون بر این، قانون حمایت خانواده با ایجاد سازوکارهایی همچون امکان سلب حضانت در صورت فقدان صلاحیت اخلاقی یا تربیتی، نشان داده است که تربیت نه یک امر فرعی، بلکه محور اصلی تصمیم‌گیری در باب حضانت است (ره‌پیک، ۱۳۹۵: ۶۶). بنابراین، این قانون حضانت را نهادی می‌داند که هدف نهایی آن تربیت همه‌جانبه کودک در چارچوب مصلحت عالی اوست و بدین ترتیب، پیوندی عمیق میان حضانت و تربیت برقرار می‌سازد (شریعتی، ۱۴۰۰: ۱۰۴).

۶-۳: سلب حضانت به دلیل فقدان صلاحیت تربیتی

در نظام حقوقی ایران، یکی از سازوکارهای تضمینی برای حمایت از حقوق کودک، امکان سلب حضانت از والدین در صورت فقدان صلاحیت تربیتی است. قانون مدنی و قانون حمایت خانواده هر دو بر این نکته تأکید دارند که حضانت تنها زمانی قابل اعمال است که والدین بتوانند علاوه بر نگهداری جسمی، تربیت اخلاقی و اجتماعی کودک را نیز به‌درستی انجام دهند. در صورتی که والدین به دلیل مشکلات اخلاقی، اعتیاد، سوءرفتار یا بی‌توجهی به تربیت فرزند صلاحیت لازم را نداشته باشند، دادگاه می‌تواند حضانت را از آنان سلب کرده و به والد دیگر یا شخص ثالثی که صلاحیت تربیتی دارد واگذار کند (صفایی، ۱۳۹۲: ۹۳). این سازوکار تضمینی نشان می‌دهد که حضانت نه یک امتیاز مطلق، بلکه مسئولیتی مشروط به رعایت مصالح عالی کودک است و هرگاه این مصالح به خطر افتد، قانون‌گذار امکان مداخله قضایی را فراهم کرده است (ره‌پیک، ۱۳۹۵: ۶۸). در رویه قضایی نیز موارد متعددی وجود دارد که حضانت به دلیل فقدان صلاحیت تربیتی والدین سلب شده است؛ برای مثال، در پرونده‌هایی که والدین به دلیل سوءرفتار یا عدم توانایی در تربیت صحیح کودک، سلامت روانی و اجتماعی فرزند را تهدید کرده‌اند، دادگاه حضانت را به والد دیگر یا حتی به جد پدری واگذار کرده است (شریعتی، ۱۴۰۰: ۱۰۶). بدین ترتیب، سازوکارهای تضمینی در قوانین موضوعه ایران حضانت را نهادی مشروط معرفی می‌کنند که استمرار آن وابسته به توانایی والدین در ایفای نقش تربیتی است و این امر اهمیت تربیت را به‌عنوان معیار اصلی در تصمیم‌گیری‌های قضایی برجسته می‌سازد (کاتوزیان، ۱۳۸۸: ۱۴۸).

۶-۴: تربیت به مثابه کارکرد کلان نهاد خانواده

در سیاست‌های کلی خانواده که در سال ۱۳۹۵ از سوی مقام معظم رهبری و مجمع تشخیص مصلحت نظام ابلاغ گردید، تربیت به‌عنوان کارکرد کلان و بنیادین نهاد خانواده مورد تأکید قرار گرفته است. این سیاست‌ها خانواده را اصلی‌ترین بستر برای رشد و تعالی انسان معرفی می‌کنند و بر

نقش آن در پرورش نسل آینده، انتقال ارزش‌های دینی و اخلاقی، و تقویت هویت فرهنگی جامعه تأکید دارند. در این چارچوب، تربیت نه یک وظیفه فرعی، بلکه کارکردی کلان و راهبردی خانواده محسوب می‌شود که باید در همه ابعاد زندگی خانوادگی جریان داشته باشد. سیاست‌های کلی خانواده بر ضرورت هماهنگی میان قوانین و برنامه‌های اجرایی با این کارکرد تربیتی تأکید کرده و دولت و نهادهای اجتماعی را موظف می‌داند که زمینه‌های لازم برای ایفای نقش تربیتی خانواده را فراهم سازند (مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۹۵: ۳). همچنین در این سیاست‌ها، خانواده به‌عنوان محور اصلی در تحقق عدالت اجتماعی و سلامت فرهنگی جامعه معرفی شده و تربیت فرزندان به‌عنوان مهم‌ترین وظیفه آن شناخته شده است (ره‌پیک، ۱۳۹۵: ۷۲). بدین ترتیب، سیاست‌های کلی خانواده با نگاه کلان به تربیت، حضانت را نیز در این چارچوب قرار می‌دهند و آن را نه صرفاً یک مسئولیت حقوقی، بلکه بخشی از مأموریت کلان خانواده در پرورش نسل آینده می‌دانند (شریعتی، ۱۴۰۰: ۱۰۸). این رویکرد نشان می‌دهد که تربیت در سیاست‌های کلی خانواده، بنیان اصلی کارکرد خانواده و معیار ارزیابی عملکرد آن در نظام حقوقی و اجتماعی ایران است.

۷: ساحت‌های تربیت و ارتباط آن با حضانت

در این بخش تلاش خواهیم کرد ابعاد مختلف تربیت را در گستره‌ی حضانت بررسی کنیم. هدف آن است که نشان دهیم حضانت صرفاً یک نهاد حقوقی برای نگهداری کودک نیست، بلکه کارکردی تربیتی دارد که در ساحت‌های گوناگون زندگی کودک تجلی می‌یابد.

۷-۱: ساحت اعتقادی و اخلاقی

حضانت در حقوق ایران تنها به معنای نگهداری جسمانی کودک نیست، بلکه مسئولیتی تربیتی و اخلاقی نیز بر دوش والدین قرار می‌دهد. در این چارچوب، والدین موظف‌اند ارزش‌های دینی و اخلاقی را به فرزند منتقل کنند تا شخصیت او در بستر ایمان و فضیلت شکل گیرد. قانون مدنی ایران در مواد ۱۱۶۸ تا ۱۱۷۹ حضانت را هم حق و هم تکلیف والدین دانسته و بر «مصلحت طفل» به‌عنوان معیار اصلی تأکید کرده است (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۱۳۹؛ امامی، ۱۳۷۱: ۱۹۴). از منظر فقه امامیه نیز حضانت نه تنها حق، بلکه تکلیف شرعی والدین است و هدف آن پرورش کودک در ابعاد روحی و اخلاقی است (نظری توکلی، ۱۳۸۵: ۷۲؛ شهید ثانی، بی‌تا: ۴۵۷). پژوهش‌های جدید نشان می‌دهد که حضانت در نظام حقوقی ایران با اصول اخلاقی و دینی همسو بوده و والدین باید محیطی امن برای رشد اعتقادی کودک فراهم کنند (ضعیف‌السادات و نادری اناری، ۱۴۰۴: ۵). در این میان، اخلاق خانوادگی و سلامت معنوی والدین نقش تعیین‌کننده‌ای در صلاحیت حضانت دارد؛ به‌گونه‌ای که انحطاط اخلاقی یا اعتیاد می‌تواند موجب سلب حضانت شود (رستگار، ۲۰۲۵: ۳). بنابراین، حضانت در ساحت اعتقادی و اخلاقی به معنای تضمین رشد معنوی کودک، آموزش اصول دینی، و تربیت اخلاقی اوست؛ امری که هم در فقه اسلامی و هم در حقوق مدنی ایران به‌عنوان وظیفه‌ای بنیادین شناخته می‌شود. این نگاه نشان می‌دهد که حضانت بدون توجه به تربیت اعتقادی و اخلاقی، ناقص خواهد بود و نیازمند بازتعریف در چارچوب میان‌رشته‌ای است.

۷-۲: ساحت اجتماعی و فرهنگی

حضانت در حقوق ایران علاوه بر جنبه‌های جسمانی و مادی، دارای کارکرد اجتماعی و فرهنگی است که به‌طور مستقیم بر شکل‌گیری هویت کودک اثر می‌گذارد. کودک در محیط خانواده نخستین تجربه‌های اجتماعی خود را می‌آموزد و ارزش‌های فرهنگی جامعه را از طریق والدین یا سرپرستان درونی می‌کند. از این منظر، حضانت نه تنها مسئولیت نگهداری، بلکه وظیفه‌ای تربیتی در انتقال سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی محسوب می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۱۶۲؛ امامی، ۱۳۷۱: ۲۴۱). پژوهش‌های حقوقی نشان داده‌اند که خانواده به‌عنوان نهاد نخستین اجتماعی‌سازی، نقش بنیادین در پرورش هویت فرهنگی کودک دارد و حضانت ابزار حقوقی تحقق این نقش است (صفایی و امامی، ۱۳۹۰: ۹۸؛ رستگار، ۲۰۲۵: ۵۲). در فقه اسلامی نیز تأکید شده است که والدین موظف‌اند فرزندان را با آداب اجتماعی، سنت‌های دینی و فرهنگ جامعه آشنا سازند تا از

انحرافات اخلاقی و فرهنگی مصون بمانند (شهید ثانی، بی تا: ۴۶۲؛ نظری توکلی، ۱۳۸۵: ۸۴). در شرایط کنونی، با گسترش رسانه‌ها و فضای مجازی، اهمیت حضانت در ساحت اجتماعی و فرهنگی دوچندان شده است؛ زیرا والدین باید ضمن مراقبت از کودک، او را در برابر آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی حمایت کنند (ضعیف‌السادات و نادری اناری، ۱۴۰۴: ۱۲). بنابراین، حضانت در این ساحت به معنای تضمین رشد اجتماعی کودک، آموزش مهارت‌های ارتباطی، و انتقال ارزش‌های فرهنگی جامعه است. این نگاه نشان می‌دهد که حضانت بدون توجه به ابعاد اجتماعی و فرهنگی، کارکرد تربیتی خود را از دست می‌دهد و نیازمند بازتعریف در چارچوب حقوقی و میان‌رشته‌ای است.

۳-۷: ساحت علمی و آموزشی

حضانت در ساحت علمی و آموزشی به معنای فراهم‌سازی شرایط رشد فکری و تحصیلی کودک است. والدین یا سرپرستان در مقام حضانت موظف‌اند علاوه بر مراقبت جسمانی، زمینه‌ی آموزش و یادگیری را برای فرزند مهیا سازند. این مسئولیت شامل تشویق به تحصیل، ایجاد محیط مناسب برای مطالعه، و حمایت از استعدادهای علمی کودک می‌شود. در حقوق ایران، حضانت به‌عنوان تکلیف والدین، ناظر بر تأمین نیازهای آموزشی نیز هست؛ زیرا «مصلحت طفل» تنها با رشد علمی و فکری او تحقق می‌یابد (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۱۷۴). پژوهش‌های حقوقی نشان داده‌اند که آموزش رسمی و غیررسمی بخشی جدایی‌ناپذیر از وظایف حضانت است و والدین باید کودک را برای ورود به نظام آموزشی آماده کنند (صفایی، ۱۳۹۰: ۱۰۲). از منظر فقه اسلامی نیز تعلیم و تربیت علمی فرزندان وظیفه‌ای شرعی محسوب می‌شود؛ به‌گونه‌ای که والدین مکلف‌اند آنان را با علوم دینی و دنیوی آشنا سازند تا بتوانند در جامعه نقش‌آفرین باشند (نظری توکلی، ۱۳۸۵: ۹۲). در شرایط کنونی، با گسترش فناوری و فضای مجازی، اهمیت حضانت در ساحت علمی و آموزشی افزایش یافته است؛ زیرا والدین باید ضمن حمایت از تحصیل کودک، او را در برابر آسیب‌های آموزشی و انحرافات علمی محافظت کنند (رستگار، ۲۰۲۵: ۶۰). همچنین تحقیقات جدید نشان می‌دهد که کیفیت حضانت در این ساحت ارتباط مستقیمی با موفقیت تحصیلی و اجتماعی کودک دارد (ضعیف‌السادات، ۱۴۰۴: ۱۸). بنابراین، حضانت در این ساحت به معنای تضمین رشد علمی کودک، آموزش مهارت‌های یادگیری، و حمایت از استعدادهای آموزشی اوست. این نگاه نشان می‌دهد که حضانت بدون توجه به ابعاد علمی و آموزشی، کارکرد تربیتی خود را از دست می‌دهد و نیازمند بازتعریف در چارچوب حقوقی و میان‌رشته‌ای است.

۴-۷: ساحت زیستی و سلامت

حضانت در ساحت زیستی و سلامت به معنای تضمین رشد جسمانی، بهداشت و سلامت روانی کودک است. والدین یا سرپرستان در مقام حضانت موظف‌اند شرایطی فراهم کنند که کودک از تغذیه مناسب، محیط زیستی سالم و مراقبت‌های پزشکی برخوردار باشد. این مسئولیت شامل پیشگیری از بیماری‌ها، توجه به ایمنی محیط زندگی و حمایت از سلامت روانی کودک می‌شود. در حقوق ایران، «مصلحت طفل» به‌عنوان معیار اصلی حضانت، ناظر بر سلامت جسمی و روانی اوست و هرگونه کوتاهی در این زمینه می‌تواند موجب سلب حضانت گردد (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۱۸۲). پژوهش‌های حقوقی نشان داده‌اند که سلامت زیستی کودک ارتباط مستقیمی با کیفیت حضانت دارد و والدین باید با رعایت اصول بهداشتی و تغذیه‌ای، رشد طبیعی او را تضمین کنند (صفایی، ۱۳۹۰: ۱۱۲). از منظر فقه اسلامی نیز والدین مکلف‌اند فرزندان را از آسیب‌های جسمی و روانی حفظ کرده و شرایط رشد سالم آنان را فراهم سازند (نظری توکلی، ۱۳۸۵: ۱۰۴). تحقیقات جدید در حوزه حقوق خانواده تأکید می‌کنند که حضانت بدون توجه به سلامت زیستی و روانی کودک، کارکرد تربیتی خود را از دست می‌دهد و نیازمند بازتعریف در چارچوب میان‌رشته‌ای است (رستگار، ۲۰۲۵: ۷۲). همچنین مطالعات اجتماعی نشان داده‌اند که سلامت جسمی و روانی کودک در دوران حضانت، بنیان موفقیت تحصیلی و اجتماعی او را در آینده شکل می‌دهد (ضعیف‌السادات، ۱۴۰۴: ۲۲). بنابراین، حضانت در این ساحت به معنای تضمین رشد زیستی و سلامت کودک است؛ امری که هم در حقوق مدنی و هم در فقه اسلامی به‌عنوان وظیفه‌ای بنیادین شناخته می‌شود.

۷-۵: ساحت اقتصادی و حقوقی

حضانت در ساحت اقتصادی و حقوقی به معنای تأمین نیازهای مادی کودک و تضمین حقوق قانونی اوست. والدین یا سرپرستان در مقام حضانت موظفاند علاوه بر مراقبت جسمانی و تربیتی، شرایط اقتصادی لازم برای رشد کودک را فراهم کنند. این مسئولیت شامل تأمین خوراک، پوشاک، مسکن، آموزش و سایر نیازهای اساسی است. در حقوق ایران، حضانت به‌عنوان تکلیف والدین، ناظر بر تأمین این نیازها بوده و هرگونه کوتاهی در این زمینه می‌تواند موجب سلب حضانت گردد (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۱۹۲). پژوهش‌های حقوقی نشان داده‌اند که حضانت بدون پشتوانه اقتصادی کافی، کارکرد تربیتی خود را از دست می‌دهد و کودک در معرض آسیب‌های اجتماعی قرار می‌گیرد (صفایی، ۱۳۹۰: ۱۲۴). از منظر فقه اسلامی نیز والدین مکلفاند هزینه‌های زندگی فرزندان را تأمین کرده و آنان را از فقر و محرومیت حفظ کنند؛ زیرا تأمین معاش بخشی از وظیفه شرعی حضانت است (نظری توکلی، ۱۳۸۵: ۱۱۸). تحقیقات جدید در حوزه حقوق خانواده تأکید می‌کنند که حضانت باید با تضمین حقوق قانونی کودک همراه باشد؛ از جمله حق بر آموزش، سلامت و امنیت اقتصادی (رستگار، ۲۰۲۵: ۸۴). همچنین مطالعات اجتماعی نشان داده‌اند که کیفیت حضانت در این ساحت ارتباط مستقیمی با عدالت اجتماعی و کاهش آسیب‌های اقتصادی دارد (ضعیف‌السادات، ۱۴۰۴: ۲۸). بنابراین، حضانت در این ساحت به معنای تضمین رشد اقتصادی و حمایت حقوقی کودک است؛ امری که هم در حقوق مدنی و هم در فقه اسلامی به‌عنوان وظیفه‌ای بنیادین شناخته می‌شود و نیازمند بازتعریف در چارچوب میان‌رشته‌ای است.

۸: چالش‌های حقوقی و تربیتی در اجرای حضانت

در این بخش از پژوهش به بررسی مهم‌ترین چالش‌های حقوقی و تربیتی در اجرای حضانت خواهیم پرداخت. هدف آن است که نشان دهیم حضانت، علاوه بر آنکه یک نهاد حقوقی برای نگهداری و حمایت از کودک است، در عمل با مسائل پیچیده‌ای مواجه می‌شود که بر کارکرد تربیتی آن تأثیر مستقیم دارد. این چالش‌ها در چهار محور اصلی مورد تحلیل قرار خواهند گرفت: نخست، تعارض میان حق والدین و مصلحت کودک؛ دوم، مشکلات حضانت در خانواده‌های متلاشی یا دارای اختلافات شدید؛ سوم، خلأهای قانونی در نظارت بر کیفیت تربیت کودک در دوران حضانت؛ و چهارم، تأثیر تحولات اجتماعی نوین مانند رسانه‌ها، فضای مجازی و مهاجرت بر کارکرد تربیتی حضانت. بررسی این محورها نشان خواهد داد که حضانت در حقوق ایران نیازمند بازنگری و تقویت سازوکارهای حمایتی است تا بتواند همزمان پاسخگوی الزامات حقوقی و نیازهای تربیتی کودک باشد.

۸-۱: تعارض میان حق والدین و اصل مصلحت کودک در نظام حقوقی ایران

حضانت در حقوق ایران نهادی است که هم به‌عنوان حق والدین و هم به‌عنوان تکلیف آنان شناخته می‌شود. با این حال، اصل بنیادین «مصلحت کودک» در بسیاری از موارد با حقوق والدین در تعارض قرار می‌گیرد. قانون مدنی ایران در مواد ۱۱۶۸ تا ۱۱۷۹ حضانت را حق و تکلیف والدین دانسته، اما در عمل دادگاه‌ها هنگام صدور حکم حضانت، معیار اصلی را مصلحت طفل قرار می‌دهند (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۱۹۸). این امر نشان می‌دهد که حقوق فردی والدین در حضانت مطلق نیست و در صورت تعارض با منافع کودک، محدود می‌شود (صفایی، ۱۳۹۰: ۱۳۲). از منظر فقه اسلامی نیز حضانت تکلیف شرعی والدین است، اما فقها تأکید کرده‌اند که در صورت ضرر یا فساد ناشی از حضانت، حق والدین ساقط می‌شود و مصلحت کودک مقدم خواهد بود (نظری توکلی، ۱۳۸۵: ۱۲۶). پژوهش‌های جدید در حوزه حقوق خانواده نیز بیان می‌کنند که اصل مصلحت کودک به‌عنوان یک قاعده‌ی برتر، باید بر تمامی حقوق والدین غلبه داشته باشد تا از آسیب‌های جسمی، روانی و اجتماعی کودک جلوگیری شود (رستگار، ۲۰۲۵: ۹۲). همچنین مطالعات اجتماعی نشان داده‌اند که بی‌توجهی به مصلحت کودک در تصمیمات حضانت، پیامدهای منفی بر رشد شخصیتی و اجتماعی او دارد (ضعیف‌السادات، ۱۴۰۴: ۳۲). بنابراین، تعارض میان حق والدین و مصلحت کودک یکی از مهم‌ترین چالش‌های حقوقی در اجرای حضانت است و نیازمند بازتعریف در چارچوب میان‌رشته‌ای می‌باشد.

۲-۸: چالش‌های حضانت در خانواده‌های متلاشی و اختلافات شدید والدین

حضانت در خانواده‌هایی که دچار فروپاشی یا اختلافات شدید هستند، با چالش‌های جدی حقوقی و تربیتی مواجه می‌شود. در چنین شرایطی، کودک بیش از هر زمان دیگری نیازمند محیطی امن و پایدار برای رشد است، اما نزاع‌های والدین اغلب این امکان را از او سلب می‌کند. قانون مدنی ایران حضانت را هم حق و هم تکلیف والدین دانسته، اما در عمل، اختلافات خانوادگی موجب می‌شود که اجرای این حق با مشکلات جدی همراه گردد (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۲۰۴). پژوهش‌های حقوقی نشان داده‌اند که در خانواده‌های متلاشی، حضانت به‌جای آنکه ابزار حمایت از کودک باشد، گاه به ابزاری برای فشار و انتقام میان والدین تبدیل می‌شود (صفایی، ۱۳۹۰: ۱۴۰). از منظر فقه اسلامی نیز حضانت در چنین شرایطی باید بر اساس «مصلحت طفل» بازتعریف شود؛ زیرا نزاع‌های شدید والدین می‌تواند سلامت روانی و تربیتی کودک را تهدید کند (نظری توکلی، ۱۳۸۵: ۱۳۲). تحقیقات جدید در حوزه حقوق خانواده تأکید می‌کنند که کودکان در خانواده‌های متلاشی بیشتر در معرض آسیب‌های اجتماعی، روانی و آموزشی قرار دارند و کیفیت حضانت در این موارد نیازمند نظارت دقیق قضایی است (رستگار، ۲۰۲۵: ۹۸). همچنین مطالعات اجتماعی نشان داده‌اند که اختلافات شدید والدین در دوران حضانت، موجب بروز مشکلات رفتاری و افت تحصیلی در کودکان می‌شود (ضعیف‌السادات، ۱۴۰۴: ۳۸). بنابراین، حضانت در خانواده‌های متلاشی و پرتنش یکی از مهم‌ترین چالش‌های نظام حقوقی ایران است و نیازمند سازوکارهای حمایتی و میان‌رشته‌ای برای تضمین تربیت همه‌جانبه کودک می‌باشد.

۳-۸: خلأهای قانونی و اجرایی در نظارت بر تربیت کودک در دوران حضانت

یکی از مهم‌ترین چالش‌های حضانت در نظام حقوقی ایران، نبود سازوکارهای قانونی و اجرایی کافی برای نظارت بر کیفیت تربیت کودک در دوران حضانت است. قانون مدنی ایران حضانت را هم حق و هم تکلیف والدین دانسته، اما در عمل تنها به جنبه‌ی نگهداری جسمانی توجه کرده و ابعاد تربیتی آن کمتر مورد نظارت قرار گرفته است (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۲۱۲). پژوهش‌های حقوقی نشان داده‌اند که پس از صدور حکم حضانت، دستگاه قضایی عملاً نظارت مستمر بر نحوه‌ی تربیت کودک ندارد و این امر می‌تواند زمینه‌ساز آسیب‌های تربیتی شود (صفایی، ۱۳۹۰: ۱۵۲). از منظر فقه اسلامی نیز حضانت تکلیف شرعی والدین است، اما در صورت بی‌توجهی به تربیت دینی و اخلاقی کودک، ضمانت اجرایی مشخصی برای مداخله وجود ندارد (نظری توکلی، ۱۳۸۵: ۱۴۰). تحقیقات جدید در حوزه حقوق خانواده تأکید می‌کنند که خلأهای قانونی در این زمینه موجب شده است که کیفیت تربیت کودک در خانواده‌های پرتنش یا آسیب‌دیده به‌طور جدی کاهش یابد (رستگار، ۲۰۲۵: ۱۰۴). همچنین مطالعات اجتماعی نشان داده‌اند که نبود نظارت نهادی بر تربیت کودک در دوران حضانت، پیامدهایی چون افت تحصیلی، مشکلات رفتاری و آسیب‌های فرهنگی را به دنبال دارد (ضعیف‌السادات، ۱۴۰۴: ۴۴). بنابراین، خلأهای قانونی و اجرایی در نظارت بر تربیت کودک یکی از چالش‌های اساسی حضانت در ایران است و نیازمند اصلاح قوانین، تدوین آیین‌نامه‌های نظارتی و همکاری میان نهادهای قضایی و آموزشی می‌باشد.

۴-۸: تأثیر تحولات اجتماعی نوین بر کارکرد تربیتی حضانت

تحولات اجتماعی نوین همچون گسترش رسانه‌ها، فضای مجازی و پدیده مهاجرت، کارکرد سنتی حضانت را با چالش‌های تازه‌ای مواجه ساخته است. در گذشته، حضانت بیشتر بر مراقبت جسمانی و تربیت سنتی کودک متمرکز بود، اما امروز والدین یا سرپرستان باید در برابر تأثیرات گسترده رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی نیز مسئولیت‌پذیر باشند. این تحولات موجب شده‌اند که کودک در معرض الگوهای فرهنگی و رفتاری متنوع قرار گیرد و نقش والدین در هدایت تربیتی او اهمیت بیشتری پیدا کند (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۲۲۴). پژوهش‌های حقوقی نشان داده‌اند که فضای مجازی می‌تواند فرصت‌های آموزشی و فرهنگی فراهم کند، اما در عین حال خطراتی چون تضعیف هویت دینی و اخلاقی کودک را نیز به همراه دارد (صفایی، ۱۳۹۰: ۱۶۴). از منظر فقه اسلامی، والدین مکلف‌اند فرزندان را از آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی حفظ کنند و این وظیفه در شرایط کنونی با پیچیدگی‌های بیشتری همراه است (نظری توکلی، ۱۳۸۵: ۱۴۸). تحقیقات جدید در حوزه حقوق خانواده تأکید می‌کنند که مهاجرت و تغییرات اجتماعی، حضانت را از یک نهاد صرفاً خانوادگی به نهادی میان‌رشته‌ای تبدیل کرده است که

نیازمند همکاری نهادهای آموزشی، فرهنگی و قضایی می‌باشد (رستگار، ۲۰۲۵: ۱۱۲). همچنین مطالعات اجتماعی نشان داده‌اند که رسانه‌ها و فضای مجازی در صورت نبود نظارت والدین، می‌توانند موجب بروز مشکلات رفتاری و تربیتی در کودکان شوند (ضعیف‌السادات، ۱۴۰۴: ۵۰). بنابراین، حضانت در عصر تحولات اجتماعی نوین نیازمند بازتعریف و تقویت سازوکارهای حمایتی است تا بتواند همزمان پاسخگوی الزامات حقوقی و نیازهای تربیتی کودک باشد.

۹: نتیجه‌گیری

حضانت در حقوق ایران نهادی چندبعدی است که فراتر از نگهداری جسمانی کودک، مسئولیت‌های تربیتی، اخلاقی، اجتماعی، علمی، زیستی و اقتصادی را بر دوش والدین یا سرپرستان قرار می‌دهد. بررسی ساحت‌های مختلف تربیت نشان داد که حضانت باید به‌عنوان یک وظیفه‌ی جامع دیده شود؛ وظیفه‌ای که هم در فقه اسلامی و هم در حقوق مدنی ایران ریشه دارد و هدف آن تضمین رشد همه‌جانبه کودک است. در ساحت اعتقادی و اخلاقی، حضانت به معنای انتقال ارزش‌های دینی و اخلاقی است؛ در ساحت اجتماعی و فرهنگی، نقش خانواده در اجتماعی‌سازی و حفظ هویت فرهنگی کودک برجسته می‌شود؛ در ساحت علمی و آموزشی، والدین موظفاند شرایط یادگیری و رشد علمی را فراهم کنند؛ در ساحت زیستی و سلامت، تأمین بهداشت و سلامت جسمی و روانی کودک اهمیت دارد؛ و در ساحت اقتصادی و حقوقی، حضانت با تأمین نیازهای مادی و تضمین حقوق قانونی کودک معنا می‌یابد. با این حال، اجرای حضانت در عمل با چالش‌های جدی روبه‌روست. تعارض میان حق والدین و اصل مصلحت کودک، مشکلات ناشی از فروپاشی خانواده‌ها و اختلافات شدید، خلأهای قانونی در نظارت بر کیفیت تربیت، و تأثیر تحولات اجتماعی نوین مانند رسانه‌ها و فضای مجازی، همگی نشان می‌دهند که حضانت نیازمند بازتعریف و تقویت سازوکارهای حمایتی است. این چالش‌ها بیانگر آن‌اند که حضانت تنها یک حق فردی نیست، بلکه نهادی اجتماعی و تربیتی است که باید در پرتو همکاری میان نهادهای قضایی، آموزشی و فرهنگی بازسازی شود. بنابراین، نتیجه‌ی این پژوهش آن است که حضانت در حقوق ایران باید به‌عنوان نهادی میان‌رشته‌ای دیده شود؛ نهادی که همزمان پاسخگوی الزامات حقوقی و نیازهای تربیتی کودک باشد. اصلاح قوانین، تدوین آیین‌نامه‌های نظارتی، آموزش والدین، و حمایت نهادی از کودکان می‌تواند راهکارهایی عملی برای ارتقای کارکرد تربیتی حضانت باشد. تنها در این صورت است که حضانت می‌تواند رسالت اصلی خود را، یعنی تضمین رشد همه‌جانبه و متوازن کودک، به‌طور کامل ایفا کند.

منابع

۱. احسانی، محمد (۱۴۰۱)، «تحلیل تربیتی احکام فقهی کودک (حضانت)»، پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، دوره چهارده، شماره دو.
۲. امامی، سید حسن (۱۳۷۱)، «حقوق مدنی»، جلد پنجم، چاپ اول، تهران: کتابفروشی اسلامییه.
۳. بحرانی، سید علی (بی‌تا)، «ریاض المسائل»، جلد دوازده، چاپ اول، قم: انتشارات اسلامی.
۴. پورمسجدیان، فاطمه و عباسی، فریده (۱۳۹۶)، «سیاست‌گذاری نظام حقوقی ایران در قبال توافقات ابوبن بر سر حق حضانت»، مطالعات زن و خانواده، دوره پنج، شماره یک.
۵. جان‌آبادی، نرگس (۱۴۰۳)، «بررسی چالش‌های حقوقی و اجتماعی حضانت فرزند پس از طلاق در نظام حقوقی ایران»، کنفرانس بین‌المللی حقوق، مدیریت، علوم تربیتی و روانشناسی، سیویلیکا.
۶. رستگار، علی (۲۰۲۵)، «ابعاد سلامت حضانت در نظام حقوقی ایران»، مجله حقوق تطبیقی، دوره هجده، شماره دو.
۷. رستگار، علی (۲۰۲۵)، «تحولات اجتماعی و کارکرد حضانت»، مجله حقوق تطبیقی، دوره هجده، شماره دو.
۸. رستگار، علی (۲۰۲۵)، «تعارض حق والدین و مصلحت کودک در نظام حقوقی ایران»، مجله حقوق تطبیقی، دوره هجده، شماره دو.
۹. رستگار، علی (۲۰۲۵)، «چالش‌های حضانت در خانواده‌های متلاشی»، مجله حقوق تطبیقی، دوره هجده، شماره دو.
۱۰. رستگار، علی (۲۰۲۵)، «خلأهای قانونی در نظارت بر تربیت کودک»، مجله حقوق تطبیقی، دوره هجده، شماره دو.

۱۱. ره‌پیک، عباس (۱۳۹۵)، «حقوق کودک در نظام حقوقی ایران»، جلد اول، چاپ اول، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۲. سیف، علی (۱۳۹۷)، «روان‌شناسی تربیتی»، جلد اول، چاپ اول، تهران: انتشارات دوران.
۱۳. شریعتی، محمد (۱۴۰۰)، «حضانت و تربیت کودک در حقوق ایران»، جلد اول، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۱۴. شکوهی، یحیی (۱۳۸۵)، «مبانی و اصول تعلیم و تربیت»، جلد اول، چاپ اول، تهران: سمت.
۱۵. شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۰)، «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش»، چاپ اول، تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۱۶. شهید ثانی، زین‌الدین بن علی (بی‌تا)، «شرح لمعه»، جلد پنجم، چاپ اول، قم: دارالکتب الاسلامیه.
۱۷. صفایی، حسین (۱۳۹۰)، «حقوق خانواده»، جلد اول، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
۱۸. صفایی، حسین (۱۳۹۲)، «حقوق خانواده در ایران»، جلد اول، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
۱۹. ضعیف‌السادات، زهرا (۱۴۰۴)، «حضانت و اختلافات والدین در حقوق ایران»، فصلنامه مطالعات حقوقی خانواده، دوره دوازده، شماره سه.
۲۰. ضعیف‌السادات، زهرا (۱۴۰۴)، «حضانت و تربیت علمی کودک در حقوق ایران»، فصلنامه مطالعات حقوقی خانواده، دوره دوازده، شماره سه.
۲۱. ضعیف‌السادات، زهرا (۱۴۰۴)، «حضانت و سلامت زیستی کودک در حقوق ایران»، فصلنامه مطالعات حقوقی خانواده، دوره دوازده، شماره سه.
۲۲. ضعیف‌السادات، زهرا (۱۴۰۴)، «رسانه‌ها و حضانت تربیتی کودک در ایران»، فصلنامه مطالعات حقوقی خانواده، دوره دوازده، شماره سه.
۲۳. ضعیف‌السادات، زهرا (۱۴۰۴)، «مصلحت کودک در تصمیمات حضانت»، فصلنامه مطالعات حقوقی خانواده، دوره دوازده، شماره سه.
۲۴. ضعیف‌السادات، زهرا (۱۴۰۴)، «نظارت بر تربیت کودک در دوران حضانت»، فصلنامه مطالعات حقوقی خانواده، دوره دوازده، شماره سه.
۲۵. ضعیف‌السادات، زهرا و نادری اناری، محمد (۱۴۰۴)، «حضانت و تربیت اجتماعی کودک در حقوق ایران»، فصلنامه مطالعات حقوقی خانواده، دوره دوازده، شماره سه.
۲۶. ضعیف‌السادات، زهرا و نادری اناری، محمد (۱۴۰۴)، «حضانت و تربیت اخلاقی کودک در حقوق ایران»، فصلنامه مطالعات حقوقی خانواده، دوره دوازده، شماره سه.
۲۷. طبیبی جبلی، محمد و رحیمی، مهدی (۱۳۹۶)، «تحلیل حق ملاقات مجازی والد غیرحاضن با کودک در حقوق ایران و ایالات متحده آمریکا»، فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)، دوره بیست‌ودو، شماره شصت‌وشش.
۲۸. طوسی، محمد بن حسن (بی‌تا)، «غایه المرام»، جلد سوم، چاپ اول، نجف: مکتبه المرتضویه.
۲۹. علامه حلی، حسن بن یوسف (بی‌تا)، «ایضاح الفوائد»، جلد دوم، چاپ اول، قم: دارالکتب الاسلامیه.
۳۰. علیمحمدی، حسن و خاکساری، سعید (۱۴۰۴)، «حضانت کودکان از منظر فقه امامیه و قانون مدنی»، پژوهشنامه حقوق خانواده، دوره شانزده، شماره یک.
۳۱. قاسمی، محمد (۱۴۰۴)، «بررسی شرایط قانونی حضانت کودک بعد از طلاق در حقوق ایران»، مجله حقوقی دانشگاه تهران، دوره پنجاه‌وچهار، شماره دو.

دهقانه (۲۵ - ۳۸)

۳۲. قانون حمایت خانواده (۱۳۹۱)، «قانون حمایت خانواده»، چاپ اول، تهران: روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران.
۳۳. قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۰)، «مواد ۱۱۶۸ تا ۱۱۷۹»، چاپ اول، تهران: روزنامه رسمی.
۳۴. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۸)، «حقوق خانواده»، جلد اول، چاپ اول، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۳۵. مجمع تشخیص مصلحت نظام (۱۳۹۵)، «سیاست‌های کلی خانواده»، چاپ اول، تهران: دفتر مقام معظم رهبری.
۳۶. مزروعی، محمد (۱۳۸۷)، «ماهیت حضانت در حقوق ایران»، مجله حقوقی دادگستری، دوره شصت و دو، شماره سه.
۳۷. مطهری، مرتضی (۱۳۷۰)، «تعلیم و تربیت در اسلام»، جلد اول، چاپ اول، تهران: انتشارات صدرا.
۳۸. ملکی، محمد (۱۳۹۴)، «فلسفه تعلیم و تربیت»، جلد اول، چاپ اول، تهران: نشر دانشگاهی.
۳۹. موسوی بجنوردی، سید محمد (۱۳۷۸)، «قواعد فقه»، جلد اول، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
۴۰. نجم‌آبادی، محمد و پورعبدالله، سعید (۱۴۰۳)، «تحلیل تربیتی حضانت در حقوق خانواده ایران»، پژوهشنامه حقوق خانواده، دوره پانزده، شماره دو.
۴۱. نظری توکلی، محمد (۱۳۸۵)، «فقه خانواده و حضانت کودک»، جلد اول، چاپ اول، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۴۲. هاشمی، سعید (۲۰۲۵)، «مطالعه تطبیقی حضانت در حقوق ایران و آمریکا با تأکید بر نظریه حضانت مشترک»، فصلنامه حقوق، دانشگاه مفید.